

تحلیل و واکاوی جایگاه حقوق شهروندی افراد در مراجع قضایی نظامی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۸)

محمد علی پور فرد^۱
سبحان فرهادی آهنگران

چکیده

حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است در بسیاری از موارد، مورد تایید دین اسلام نیز می باشد از جمله حق حیات، حق آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، برابری و غیره همگی مورد تایید و تاکید اسلام هستند و در قران آیه های صریحی درباره آن ها وجود دارد. اما در طول تاریخ کشور ما کمتر به حقوق شهروندی افراد توجه شده است در بسیاری از موارد سلاطین و طبقه اشراف جامعه حقوق مردم عادی را از آنها سلب می کردند. به همین علت واژه رعیت در مقابل طبقه حاکم به کار برده می شد و رعایا به کسانی اطلاق می شد که از حقوق محدودی برخوردار بودند. موضوع حقوق شهروندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح با توجه به وظیفه قانونی خود یعنی رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در زمان انجام وظیفه از اهمیت زیادی برخوردار است چون این سازمان باید با حفظ اسرار نظامی و رعایت مسائل طبقه بندی، حقوق شهروندی مراجعین خود را نیز تامین نماید. با توجه به اینکه به علت حساسیت رسیدگی پرونده ها ی نظامی تاکنون در باره حقوق شهروندی در مراجع قضایی نظامی مقاله ای نگاشته نشده است ضرورت نگارش این مقاله بیشتر احساس می شود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مراجع قضایی، دادسرا، دادگاه، حق مساوات افراد

^۱نویسنده مسئول





بخش اول: ویژگی‌های حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی دربرگیرنده مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است. اصولاً حق و تکلیف دربرابرهم قراردارند و تکلیف را به دنبال دارد. عناصر حقوق شهروندی ناظر به حقوق مطلق، منجز، حال، دائم، ثابت، و عینی بشر است و هیچ یک از افراد بشر در معدلت حاکمه از این حیث بر دیگری برتری ندارد. به بیان کلی تر حقوق شهروندی به منزله‌ی روح قانون است نه چند ماده‌ی جداگانه‌ی موضوعه‌ی قانون.

الف - جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده‌ی بشری است و هر فرد بشر در هر کجاکه باشد و از هر نژاد، زبان، جنس، یا دین که باشد، مستحق آن است و کسی مجبور به کسب این حقوق نیست. این حقوق مسلم است.

ب - غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست چراکه بدون آن نمی‌توان فرد را بشر نامید.

پ - تقسیم پذیر نیست. نمی‌توان به خاطر تشخیص در «کم اهمیت بودن» یا «عدم ضرورت» آن را از کسی سلب کرد

ت - عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر است و متمم و مکمل سایر است.

ث - هدیه‌ی الهی است و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی یا سکولار این حقوق را اعطا نمی‌کنند.

ج - حقوق ذاتی و فطری انسانها است و از آنها به صفات شخصیتی انسان تعبیر می‌شود و به هیچ قرارداد و وصفی وابسته نیست. (www.haghgostar.ir)

بند اول: چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در ایران

وقتی فردی نام شهروند را یدک می‌کشد، به احتمال فراوان نخستین چیزی که به ذهنش می‌آید مجموعه‌ای از حقوق است که قانون‌گذاران به آن حقوق شهروندی می‌گویند. نزدیک به ۴۰ سال پیش «تی‌اج مارشال» در ارتباط با رشد شهروندی ۳ نوع حق را برشمرد که شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌شد. حقوق مدنی امتیازاتی است که بسیاری

از ما امروز آن را بدیهی می دانیم، اما بد دست آوردن آنها زمانی دراز طول کشیده است مثل آزادی افراد برای زندگی، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت یا حق دادرسی یکسان در برابر قانون. حقوق سیاسی اما به مواردی همچون حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن مطابق قانون اشاره دارد و در ارتباط با حقوق اجتماعی می گویند که بهره مند شدن از حداقل استاندارد اقتصادی و امنیتی مثل مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد حق طبیعی هر فرد است. البته مجموعه گفته های مارشال چیزی است که در متن قانون اساسی کشورمان نیز گنجانده شده و در قالب حقوق سیاسی اجتماعی و فرهنگی قابل شناسایی است. مطابق اصل ششم قانون اساسی، حق حاکمیت به معنای حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت از جمله حقوق شهروندی است که به ملت اعطا شده است. این در حالی است که مساوات در برخورداری از حقوق، حق مساوات در حمایت شدن از سوی قانون، حق امنیت، حق آزادی، آزادی عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، آزادی استفاده از زبان های محلی و قومی و تدریس ادبیات آنها، حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان، حق تابعیت و اقامت، حق انتخاب شغل، حق داشتن مسکن مناسب، حق برخورداری از تامین اجتماعی و بیمه، اصل برائت، حفظ حرمت و حیثیت اشخاص و... تنها بخشی از حقوق مصرح در قانون اساسی کشورمان است. البته اهمیت حقوق شهروندی به آن درجه است که در سند چشم انداز ۱۴۰۴ نیز تاکید شده که جامعه در افق ۲۰ ساله باید به سوی جامعه ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و همچنین بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی تاکید شده است؛ به طوری که هر فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید از رفاه ملی، امنیت ملی و تولید ملی برخوردار باشد. این در حالی است که موضوع حقوق شهروندی در سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه نیز که دی ماه ۱۳۸۷ توسط رهبر انقلاب به رئیس جمهور ابلاغ شد، مورد تاکید قرار گرفته است؛ به طوری که حمایت از آزادی های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت، تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی،



اقتصادی و فرهنگی، تاکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه و ارتقای امنیت اجتماعی در ۴ بند از آن مورد توجه واقع شده است. اما با وجود این، بر سر راه اجرای حقوق شهروندی موانعی وجود داشته؛ به طوری که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در نوشتاری این موانع را برشمرده است. به اعتقاد پژوهشگران این مرکز، ابهامات موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی و مغفول ماندن مسوولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، ۲ مانع اصلی بر سر راه اجرای این حقوق هستند.

بخش دوم: مفهوم حقوق بشر و حقوق شهروندی

حقوق بشر، حقوق مبنایی، بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می‌شود. حقوق بشر بر پایه حرمت انسانی است که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه صرف‌نظر کردنی. در فلسفه حقوق بشر در فرهنگ مغرب زمین، چنین حقوقی از بدو زایش همراه انسان است و به منزله حقوق طبیعی او تلقی می‌شود، لذا حقوق بشر حقوقی نیست که دولت یا نهادی بتواند آن را مانند موهبتی به کسی اعطا کند، بلکه دولت یا هر نهاد دیگری صرفاً می‌تواند آن را به رسمیت بشناسد یا نشناسد. از طرفی، حقوق اساسی چیزی جز برگرداندن ارزش‌های حقوق بشری به صورتی از حقوق مشخص و مدون و تصویب آنها در قوانین اساسی کشورهای گوناگون نیست. بخشی از حقوق اساسی، مانند حق زندگی و خدشه ناپذیری فیزیکی انسان که ملهم از حقوق بشر در شکل مطلق آن است باید از طرف همه دولتها و نهادها و در مورد همگان رعایت گردد، اما بخشی دیگر از این حقوق اساسی؛ مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است، می‌توانند در برخی از قوانین اساسی، شکل ملی به خود بگیرد و فقط شامل حال شهروندان کشوری خاص گردد، این بخش را حقوق شهروندی می‌نامند. پس حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است. حقوق بشر به لحاظ مفهومی، در رابطه میانه فرد و دولت ملی، تغییراتی ایجاد کرده و ساختار سنتی را تا حدی متحول ساخته است. دولت‌ها در گذشته در چارچوب نظریه حاکمیت مطلق رفتار می‌کردند؛ وضعیتی بر گرفته از این رهیافت

که به دولت محوریت خاصی بخشیده و آن را مستقل از جامعه، برتر و فوق آن تصور می نماید. در این نگاه، دولت ها نه تنها از جامعه متمایز، بلکه متفاوت از آن هستند. دولت نسبت به جامعه از استقلال ساختاری- هنجاری برخوردار است و در مقابل، جامعه پدیده ای منفصل و فرمانبردار است، که برداشتی فرا ملی از حدّ شمول اختیارات دولت که از یک سو به تعامل دولت و جامعه توجه نداشته و از دیگر سو به جهت گیری کوتاه بینانه حفظ نظم و امنیت مطلوب فرا دست جامعه فارغ از شهروندان را که عملاً منجر به صرف بندی های طبقاتی و نا امنی در داخل و درگیری و نزاع در سطح بین المللی می شود، نادیده می گیرد. اما این که دولت ها به طرز گریز ناپذیری در موقعیتی قرار گرفته اند که برخی از آن به سمت گیری دیگر، نام می برند؛ یعنی دولت و اقتدار عالیه آن موسوم به حاکمیت، در ابعاد داخلی (نسبت به افراد و گروه ها) و خارجی (نسبت و در ارتباط با نهادهای بین المللی) دستخوش دگرگونی های بنیادین گردیده است. اگر در گذشته این گونه القاء شده بود که مردم از فرامین مراجع قدرت بی چون و چرا متابعت کنند، امروز "حاکمیت" و آزادی ناشی از آن، حق تفویضی از مردم به حکومت تلقی می شود. در این منظر، حاکمیت مردم و نمایندگی دولت از طرف مردم، واقعیتی تقسیم ناپذیر، سلب ناشدنی و غیرقابل مرور زمان و متعلق به ملت است. هیچ گروهی از مردم و هیچ فردی نمی تواند اعمال حاکمیت را حق خود بداند. دولت قانونمند را دولتی می شمارند که قدرت آن بر پایه معیارهای کلی تنظیم شده و شهروندان نیز از این حق مسلم برخوردار باشند که حسب لزوم به نهادهای نظارتی متوسل شوند. اساسی ترین حقوق تضمین شده آحاد ملت، بستری است که شهروند می تواند آنها را بخواهد و قدرت حاکم نیز باید به آن ها احترام بگذارد. لذا به جای بهره گیری از مفاهیم "حاکمیت (sovereignty)" و حکومت (government) از اداره امور و حکمرانی سخن گفته می شود. حقوق شهروندی، مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیر سیاسی می باشد. حقوق شهروندی از اهم مباحث حقوق بین المللی و حقوق ملل است و ارزش ذاتی این مقوله تا جایی است که آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده است. بحث حقوق شهروندی و حقوق بشر در اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه پس از اعلام





جمهوری این کشور به طور منسجم مطرح شد و در پی جنگ جهانی دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اضافه گردید و بدنبال آن ها اصلاحاتی را در زمینه های آزادی های عقیده، مذهب و... به همراه آورد. اهمیت حقوق شهروندی تا جایی است که رسیده به یک حکومت مردم سالار و دموکرات مستلزم وجود جامعه ای است که مردم آن علاوه بر بلوغ دموکراتیک به حقوق و تکالیف شهروندی خود واقف باشند. حقوق شهروندی، در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و در واقع اطلاقی عام بر مجموعه امتیازهای مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی است که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند. دارنده این حقوق؛ یعنی شهروند، به یکایک افرادی که در جامعه زندگی می کنند، اطلاق می شود و این، مفهومی فراتر از تابعیت است که در آن، موقعیت هایی متمایز برای افراد، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت شوندگان خاص باید لحاظ گردد. به عبارت دیگر، مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می گیرد، حقوق شهروندی نام دارد و مجموعه قوانین و امتیازهای مربوط به حقوق شهروندان به حقوق فردی؛ مانند آزادی بیان، حقوق مربوط به گروه ها و اقشار مختلف جامعه، همچون حق برخورداری از انرژی تقسیم می شود. حقوق شهروندی، مجموعه حقوقی است که برای اتباع یک کشور در رابطه با مؤسسه های عمومی؛ مانند حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن، مفهوم می یابد. بنابراین، واژه مذکور از حقوق سیاسی است. حقوق شهروندی، یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می باشد. از این رو، می توان حقوق شهروندی را شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده اند، دانست. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می باشند.

بخش سوم: جایگاه حقوق شهروندی در دادسراها و دادگاه های نظامی

بند اول: دادسرای نظامی

به موجب ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاه های آن حوزه تشکیل می گردد. در بند الف ماده فوق آمده که دادسرا عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است و به ریاست دادستان اداره می شود. اما در خصوص نظامیان به موجب اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضایی، کمیته های انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح دیگر، در صلاحیت دادگاه خاص نظامی است و به موجب ماده ۶ قانون مذکور در مراکز استان ها، سازمان قضایی نیروهای مسلح مرکب از دادگاه و دادسرای نظامی و در شهرستان های مورد نیاز ناحیه دادسرای نظامی تشکیل می شود. بنابراین دادسرای نظامی از یک جهت با شاکی و از سوی دیگر با متهمین که همگی از نیروهای مسلح هستند، روبرو می باشد. با توجه به اینکه متهم در دادسرای نظامی یک شخص نظامی است، در نظر گرفتن حقوق اولیه شهروندی برای او لازم است.

بند دوم: حقوق شهروندی در دادسرای نظامی

حقوق شهروندی در کشور ایران اصطلاح جدیدی است که خیلی زود وارد ادبیات حقوقی شده است، البته در قسمت قبل تعریفی کلی از حقوق شهروندی ارائه نمودیم. حفظ حقوق شهروندی در جهت حفظ حریم حقوق شکات و متهمین لازم است. رعایت این حقوق هم از سوی قضات و مراجع انتظامی وهم سایر بستگان و مرتبطین با پرونده های قضایی لازم و ضروری می باشد. البته با تصویب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و الزام کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسرا و ضابطان قوه قضائیه



مكلف به حفظ حقوق شهروندی شده‌اند. دادرای نظامی نیز به عنوان یکی از مراجع قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی لازم است حقوق شهروندی را رعایت نماید و این حقوق از دو جهت قابل بحث است. حقوق شهروندی متهم در دادرای نظامی و حقوق شهروندی شاکی در دادرای نظامی. البته برخی از حقوق برای متهم و شاکی یکسان است و هر دو طرف از این حقوق برخوردار هستند. البته به موجب ماده ۱۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ اختیارات و وظایف دادستان و بازپرس و دادیار دادرای نظامی با رعایت مقررات قانون مذکور همان اختیارات و وظایفی است که در قانون آئین دادرسی کیفری برای دادستان و بازپرس دادرای عمومی تعیین شده است بنابراین به استناد به قوانین موضوعه در خصوص وظایف دادستان و بازپرس دادرای عمومی و انقلاب خصوصاً قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، وظایف دادستان و بازپرس دادرای نظامی در حفظ حقوق شهروندی تبیین می گردد.

بخش چهارم: صلاحیت رسیدگی به پرونده های متهمان در دادرای نظامی

جرائم عمومی افرادی که پرونده های آنها در دادرای نظام مطرح می شود در صورتی که جرائم آنها در مقام ضابط دادگستری باشد از صلاحیت دادرای نظام خارج است و در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است.

رسیدگی به اتهامات و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر در صلاحیت دادگاه های کیفری استان تهران می باشد، بنابراین حتی اگر این افراد مرتکب جرمی شدند که در ارتباط با تکالیف و فعالیت قانون آنان باشد. دادرای نظامی حق رسیدگی نداشته بلکه دادرای انقلاب و عمومی تهران پس از بررسی و تحقیق و جمع آوری دلایل و مدارک در صورت مجرمیت با صدور کیفرخواست پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال می دارد.

-در صورتی که شخص نظامی در دوران خدمت خود جرمی مرتکب گردد که دادگاه های نظامی صلاحیت رسیدگی به آن را دارند رهایی از خدمت مانع از رسیدن به جرائم زمان اشتغال نبوده و همچنان دادگاه های نظامی صلاحیت رسیدگی به جرم مذکور را دارند.

-رسیدگی به جرائم کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند.

-وجود سابقه قبلی متهم در دادرسی نظامی قاضی صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به جرم مأموران انتظامی نمی باشد.(فصلنامه دیدگاه های قضایی و حقوقی، ۱۳۹۰، شماره ۵۵)

بند اول: حقوق مشترک متهم و شاکی در دادرسی نظامی

برخی از حقوق شهروندی مشترک بین متهم و شاکی است. در ادامه به بررسی این حقوق می پردازیم.

حق داشتن وکیل: حق داشتن وکیل مدافع از سوی اصحاب دعوا در تمام مراحل دادرسی بر کسی پوشیده نیست، زیرا جامعه قبل از پیدایش دولت و قوانین موضوعه مدون دارای حقوق فطری و طبیعی بوده است. در کشور ایران دراصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از حقوق طرفین دعوی را داشتن وکیل معرفی می کند و اگر طرفین توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. در این اصل قانونگذار به موضوع شرکت وکیل در دادرسی ها به عنوان یکی از اساسی ترین حقوق متهم به شکل زیبا و رسایی اشاره کرده است.(اسفندیار، ۱۳۹۱: ۷) ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به طرفین دعوا اجازه داده است در تمامی امور جزایی وکیل یا وکلای مدافع خود را تعیین و انتخاب نمایند. «در تمامی امور جزایی طرفین دعوا می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند. وقت دادرسی به متهم، شاکی، مدعی خصوصی و کلای مدافع آن ابلاغ خواهد شد، در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هر یک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.» ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می دارد: «اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل را دارند و تمامی دادگاه هایی که به موجب قانون تشکیل





می‌شوند، مکلف به پذیرش وکیل هستند.» در خصوص شاکی حضور وکیل یا وکلای او برای تشکیل دادگاه کافی است و عدم حضور شاکی در جلسه مانع رسیدگی نخواهد بود. مگر اینکه دادگاه حضور شاکی را برای اخذ توضیح لازم بداند، اما در مورد متهم حضور او در جلسه دادرسی از ضروریات دادرسی کیفری است و متهم چه وکیل داشته باشد و چه فاقد وکیل باشد، باید شخصاً در دادرسی حاضر شود، چراکه ارزیابی قاضی از شخصیت متهم جزئی از رسیدگی است و از جهتی تفهیم اتهام با صدور قرار تأمین حتماً باید نسبت به خود متهم صورت گیرد و تفهیم اتهام به وکیل با صدور قرار تأمین در مورد وکیل مجوز قانونی ندارد و از اعتبار ساقط است. با وجود اینکه اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق استفاده از وکیل تعیینی در صورت لزوم وکیل تسخیری را در سطح وسیع در دادگاه‌ها معین کرده است. اما هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۶۳/۶/۲۸ چنین نظر داده است: «با توجه به اینکه اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از وکیل اهمیت خاصی مبذول شده و از طرفی با عنایت به ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه‌های بعد از آن که به لحاظ بخشنامه ۱۳۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است، مداخله وکیل تسخیری در صورتی که متهم شخصاً وکیل انتخاب نکرده باشد، در محاکم کیفری در موردی که مجازات اصلی آن اعدام یا حبس ابد است، ضروری است. محاکم کیفری ایران شرکت وکیل مدافع را در جرایمی که مستلزم حبس دایم یا اعدام بود، اجباری و در سایر موارد اختیاری می‌دانستند و رویه قضایی نیز در رابطه با مجازات حبس دایم و یا اعدام حتی اگر خود متهم نمی‌خواست وکیل داشته باشد، لزوم استفاده از وکیل را از جانب دادگاه برای رسیدگی لازم می‌دانست. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با پذیرش رأی وحدت رویه یاد شده، همان اتهامات را با اندکی تفاوت در تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آورده است. در این ماده به متهم اجازه داده است که از دادگاه تقاضا کند، وکیلی را برای او تعیین نماید، اما این حق برای شاکی پیش‌بینی نشده است. (همانجا: ۸)

البته در بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهم و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

حق دادرسی، کارشناس و مترجم: یکی دیگر از حقوق شاکی و متهم حق رد دادرس، کارشناس و مترجم است. شاکی حق دارد در صورت ذینفع بودن قاضی درپرونده یا وجود قرابت بین متهم و قاضی یا خودش با قاضی از او بخواهد که رسیدگی را متوقف و به قاضی دیگری واگذار کند. موارد رد دادرس در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب آمده است:

«دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می‌توانند آنان را رد کنند:

الف- وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.

ب- دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد

ج- دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند

د- دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبلاً اظهارنظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد

ه- بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد

و- دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان، نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.



این حق مطابق ماده فوق و ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای شاکی و متهم قابل اثبات است و با در نظر گرفتن روح ماده ۴۶ قانون مذکور، علی‌رغم عدم تصریح نسبت به دادستان نیز جاری است. اگر قاضی به جهات رد خود در پرونده آگاه باشد، ولی از رسیدگی امتناع نکند و طرفین نیز از آن بی‌اطلاع باشند، یا به فرض اطلاع آن را اعلام نکنند، حکم صادره توسط قاضی قابل نقض است. در مورد رد کارشناس و مترجم نیز، شاکی و متهم براساس ماده ۲۰۳ قانون مذکور می‌تواند مترجم و کارشناس را رد کند، ولی رد مترجم باید مدلل باشد. به هر حال نظر دادگاه در این خصوص قطعی است، ولی اگر بعد از آن اثبات شود که قاضی رعایت موازین قانونی را از نظر رد کارشناس و مترجم ننموده است، محکومیت انتظامی خواهد داشت. (خالقی، ۱۳۸۷: ۳۰)

علنی بودن رسیدگی: به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کند که محاکمه علنی نباشد.

بخش پنجم: حقوق شهروندی متهم در دادرسی نظامی

آنچه که مهم است این است که متهم در دادرسی نظامی با یک شخص عادی متفاوت بوده و اعضاء نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضایی، کمیته‌های انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر) می‌باشند، بنابراین وظیفه دادرسی در حفظ حقوق شهروندی متهمین خطرتر و مهم‌تر خواهد بود. در راستای حفظ حقوق شهروندی در دادرسی نظامی رعایت اصولی از سوی دادرسی لازم است که به تبیین این اصول می‌پردازیم.

بند اول: اصل برائت

اصل برائت یکی از اصول بنیادین حقوق جزا است که به دفاع از اولین و مهم‌ترین حق دفاعی متهم می‌پردازد. قانونگذار کشور ما نیز به مانند بسیاری از سیستم‌های قضایی دیگر اصل برائت را پذیرفته و جهت استحکام و تثبیت هر چه بهتر آن، آن را در قانون اساسی جای داده است. به موجب اصل ۳۷ قانون اساسی، اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم

شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. از آن جا که اصل بر برائت متهم است، با متهم باید همان گونه برخورد کرد که با یک بی‌گناه و نیز به همان دلیل باید تمامی حقوقی را که یک فرد آزاد و غیر متهم از آن برخوردار است متهم نیز از آن برخوردار باشد، زیرا فرض بر این است که متهم مرتکب جرمی نشده و شایسته برخوردی کاملاً انسانی است. چنانکه می‌بینیم قانون‌گذار با الهام از اندیشه‌های نورانی دین مبین اسلام و با عنایت به اصول بنیادین حقوق جزا این اصل را در قانون اساسی جمهوری اسلامی جای داده تا به حمایت از حقوق دفاعی متهم برخیزد. افزون بر قانون اساسی، در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز به این اصل تصریح شده است. ماده ۱۹۷ قانون مذکور بیان می‌دارد: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند...» همچنین در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در خصوص اصل برائت متهم آمده است: «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (قطعی) نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.» با توجه به اینکه اصل برائت نه تنها در آموزه‌های دینی بلکه در قوانین جمهوری اسلامی در موارد متعددی به دقت مورد حمایت قرار گرفته و رعایت آن نیز بر تمامی مراجع قضایی از جمله دادرسی نظامی لازم است، به خصوص اینکه متهم در این دادرسی، نیروهای مسلح می‌باشند و حفظ شئون این افراد لازم است. (اسفندیار، ۱۳۹۱: ۹)

بند دوم: اصل منع دستگیری

دستگیری یا بازداشت در لغت به معنی منع، جلوگیری، توقیف و حبس می‌باشد. (معین، ۱۳۸۴: ۴۵۴) و در اصطلاح عبارت است از سلب آزادی متهم، زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی (ملک زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۳). یکی از حقوق افراد داشتن آزادی است و نمی‌توان هیچ فردی را بدون دلیل دستگیر نمود. از دیگر اصول مربوط به حقوق شهروندی،



اصل منع دستگیری است. این مسأله از دید قانون گذار ایران دور نمانده و در اصل ۳۲ قانون اساسی به این اصل اشاره دارد. «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...» سلب آزادی افراد به دو صورت متصور است؛ قانونی و غیرقانونی. سلب آزادی افراد به صورت غیرقانونی و بدون مجوز جرم بوده و قابل مجازات می‌باشد. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مربوط به سلب آزادی افراد توسط مأمورین دولتی و مجازات آن است و ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی نیز مربوط به سلب آزادی توسط اشخاص عادی... می‌باشد. منظور از توقیف قانونی، توقیف و حبسی است که به موجب قانون و به دستور مقامات صلاحیت دار و با رعایت ترتیبات قانونی مقرر و اعمال می‌گردد. (ناصرزاده، ۱۳۷۳: ۹۵) سلب آزادی افراد به صورت قانونی نیز به نوبه خود در دو مرحله قابل مطالعه است؛ یکی در مرحله مقدماتی و قبل از صدور حکم نهایی و دیگری بعد از صدور حکم نهایی. اصطلاحاً به سلب آزادی افراد قبل از صدور حکم نهایی بازداشت و به سلب آزادی پس از صدور حکم نهایی حبس می‌گویند. (همانجا، ۹۶-۹۵) ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تأکید می‌کند که در مواردی که ضابطین علایم و امارات وقوع جرم را مشاهده می‌کنند، با وجود آنکه حق دارند تحقیقات مقدماتی لازم را پیگیری کنند، اما به هیچ وجه حق دستگیری یا ورود به منزل را ندارند. ماده ۲۴ همین قانون نیز بر منع دستگیری و یا ورود به منزل متهم تأکید می‌کند. همچنین در بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز به اصل منع دستگیری اشاره نموده است.

بند سوم: اصل منع شکنجه

اصل منع شکنجه یکی از مهم‌ترین قواعد بنیادین و آمره حقوق بشر و شهروند است و در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اعلامیه حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است و در تمام اسناد بین‌المللی به کار بردن عبارات مختلفی چون شکنجه، سوء رفتار، مجازات‌های ظالمانه، رفتارهای غیر انسانی، رفتارهای تحقیرآمیز منع شده است. برای تعریف شکنجه تا کنون تلاش‌های بین‌المللی انجام شده است. کنوانسیون منع شکنجه و هرگونه رفتار توهین‌آمیز در تعریف

شکنجه مقرر می‌دارد: «اصطلاح شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج جانکاه جسمی یا روحی به منظور اهدافی از قبیل اخذ اطلاعات یا اقرار از شخص مورد نظر یا شخص ثالث، یا تنبیه شخص مورد نظر یا شخص ثالث به اتهام عملی که وی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا به منظور ارعاب، تخویف یا اجبار شخص مورد نظر یا شخص ثالث یا هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، به اینکه چنین درد و رنجی توسط کارگزار دستگاه حاکمه یا هر شخص دیگری که در سمت مأمور قرار دارد یا موجب ترغیب یا رضایت صریح یا ضمنی مأمور مزبور تحصیل شده باشد، درد و رنج ناشی از خصیصه ذاتی یا عارضی مجازات‌های قانونی خارج از این تعریف است. در تمامی تعاریفی که از شکنجه شده است؛ می‌توان نکات ذیل را مشاهده نمود:

۱- هر عملی که سبب درد و رنج شدید جسمی یا روحی می‌شود

۲- این عمل از روی عمد باشد

۳- شکنجه توسط یا تحت نظر مأمور دولت انجام گیرد

۴- شکنجه شامل درد و رنج ناشی از مجازات نمی‌شود



اصل منع شکنجه در قوانین ایران مغفول نمانده و چون از اصول مهم در امور رسیدگی قضایی بوده، مقنن در اصل ۳۸ قانون اساسی به آن پرداخته است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند نیاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی شکنجه ممنوع اعلام شده است، ولی این ماده ناقص و بر خلاف اصل ۳۹ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر یا بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است» زیرا تنها شامل شکنجه بدنی است و شکنجه روحی و روانی را مورد نظر قرار نداده است. البته قانون گذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در بند ۹ آن هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر

ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت. بنابراین در این ماده در جهت حفظ حقوق متهم هرگونه شکنجه اعم از بدنی، روحی و روانی در دادرهای نظامی ممنوع اعلام شده است علاوه بر این در بند ۷ قانون مذکور نیز بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و اقدامهای خلاف قانون ممنوع شده اند. همچنین در بند ۱۰ قانون مذکور که تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت می‌گیرد. (اسفندیار، ۱۳۹۱: ۱۰)

بند چهارم: اصل سرعت ودقت

یکی از اصول مهم در تحقیقات مقدماتی، توجه به اصل سرعت است. تحقیق‌ها زمانی مفید است که در زمان مناسب و با سرعت لازم شروع شود و خاتمه یابد. قانونگذار در مواد ۶۱، ۴۲، ۴۰، ۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به این اصل توجه کرده است. طبق ماده اخیر «تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود.» اطاله دادرسی و تأخیر بدون دلیل در تحقیقات مقدماتی و محاکمه، دادرسی عادلانه و منصفانه را از هدف اصلی آنکه تضمین حقوق شاکی و متهم در حقوق جامعه است، منحرف می‌سازد. تأخیر بدون دلیل، قربانی جرم را از رسیدن به موقع به حقوق از دست رفته خود محروم می‌کند، با حقوق دفاعی جامعه مغایرت دارد و امنیت اجتماعی، روانی و شغلی متهم را با خطر مواجه می‌سازد. این امر اعتماد مردم نسبت به دستگاه عدالت کیفری را سلب می‌کند. البته سرعت در رسیدگی، آنگاه به نتیجه مطلوب منجر می‌شود که تئام با دقت باشد. تلفیق صحیح این دو امر را می‌توان علاوه بر علم و اطلاع قاضی در ویژگی‌های شخصیتی و تعهدات اخلاقی و مسئولیت کیفری وی جستجو کرد. بنابراین یکی دیگر از حقوق شهروندی متهم رعایت اصل سرعت و دقت است. (همانجا: ۱۱)

بند پنجم: اصل محرمانه بودن تحقیقات

محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی ناظر به متهم و وکیل مدافع اوست. این امر که باعث پیشرفت، جلوگیری از تبانی متهم با شهود و دیگر عوامل جرم می‌شود. از این جهت که منافی اصل تساوی سلاح‌ها در رسیدگی‌های کیفری است، مورد ایراد قرار گرفته است. در قانون ایران روش محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی پذیرفت شده، اما تحقیقات مقدماتی نسبت به شاکی، با تشخیص مقام قضایی و با ذکر علت موضوع، محرمانه تلقی می‌شود و در شرایط معمولی تحقیقات محرمانه نمی‌شد. طبق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری شاکی حق دارد از صورت جلسات تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه رونوشت بگیرد. (همانجا: ۱۲)

بند ششم: اصل حفظ حق دفاع متهم

یکی از حقوق اساسی و طبیعی انسان، حق دفاع در جهت حفظ حقوق فردی، اجرای عدالت و امنیت قضایی است. این حق منبعث از اصل برائت بوده و از بدیهی‌ترین حقوقی است که در یک نظام قضایی انتظار می‌رود. وقتی صحبت از حق دفاع متهم می‌شود، منظور این است شخصی که با دلایل و قرائن کافی احضار و یا جلب شده، بتواند آزادانه و آگاهانه در یک فرصت مناسب با تهیه و تدارک وسایل دفاعی و مساعدت وکیل منتخب، در یک دادگاه قانونی به طور علنی با رعایت بی‌طرفی و بی‌غرضی و انصاف از خویش دفاع نماید. این امر در سراسر رسیدگی به دعوی کیفری مورد رعایت و حمایت واقع شود. بنابراین حق دفاع متهم یکی از عناصر مهم امنیت قضایی شهروندان می‌باشد و رعایت و حمایت از آن سبب آرامش و آسایش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت و توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. مواردی هستند که جزء حقوق دفاع متهم محسوب شده و رابطه بلاواسطه و مستقیم با حق دفاع وی دارند و بدون رعایت و حمایت از آنها اساس تشکیل محاکمه و رسیدگی به دعوی بیهوده و عبث خواهد بود. این موارد عبارتند از تفهیم اتهام به متهم، حق داشتن وکیل و اخذ آخرین دفاع. (همانجا: ۱۳)



بند هفتم: تفهیم اتهام به متهم

تفهیم اتهام یعنی اعلام رسمی عمل مجرمانه به متهم از جانب قاضی به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص متهم برای او قابل درک باشد، با تفهیم اتهام، مشتکی عنه به متهم تبدیل شده و از حقوق دفاعی یک متهم برخوردار می‌باشد و قاضی تحقیق می‌تواند از او هرگونه پرسشی راجع به موضوع اتهام بنماید. اصل برائت که یکی از حقوق بنیادین بشری است، تفهیم اتهام را ضروری می‌نماید. در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرس دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکی از وظایف قاضی را تفهیم اتهام به متهم معرفی می‌کند. تخلف از این مهم، موجبات تعقیب انتظامی قاضی را فراهم می‌آورد. اما ظرف زمانی تفهیم اتهام چقدر است که در صورت عدم تفهیم اتهام در آن مدت، حقوق متهم نقض خواهد شد؟ در قوانین و مقررات از تفهیم اتهام فوری، در اسرع وقت و بلافاصله نام برده شده است. (همانجا)

بند هشتم: اخذ آخرین دفاع

اخذ آخرین دفاع چنانکه در بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب آمده است، برپایه اصل برائت توجیه می‌گردد. هدف این است که پس از شنیدن اظهارات شاکی و شاهد توسط مرجع تحقیق و جمع‌آوری دلایل همیشه آخرین کسی که مطلبی را بیان می‌کند، متهم باشد. چراکه بر کسی تأثیر روانی ماندگاری آخرین کلام در ذهن قاضی بر کسی پوشیده نیست. بنابراین پس از اتمام تحقیق مقدماتی، در صورتی که قاضی تحقیق دلایل و امارات موجود در پرونده را بر وقوع جرم و انتساب آن متهم کافی تشخیص دهد و عقیده به مجرمیت متهم داشته باشد، مکلف است پیش از صدور قرار مجرمیت یا تفهیم مجدد اتهام و کلیه دلایل و مدارک آن را از متهم بخواهد که اگر در برائت خود مطلبی دارد به عنوان آخرین دفاع بیان می‌کند. (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

بند نهم: اصل بی طرفی

اصل بی طرفی در اصطلاح حقوقی به این معنا است که قاضی در طول رسیدگی باید رفتار خود با طرف‌های دعوا، بی طرفی ظاهری را رعایت نموده و از رفتارهای شبه آمیز و از اقداماتی

که برخلاف حق بوده، موجب تقویت و ضعف یک طرف یا تضعیف موقعیت طرف دیگر شود، خودداری نماید. اصل بی طرفی در دادرسی، یکی از اصول و مؤلفه های اساسی دادرسی عادلانه است. در بند ۴ اصل ۳ قانون اساسی تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را از وظایف دولت برشمرده است. همچنین اصول ۵۶ و ۱۱۶ قانون اساسی نیز، الزام دادگاه به صدور حکم مستند و براساس قانون، بدون اعمال نظرات شخصی تصریح شده است. در قوانین عادی نیز ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، بند ۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز موارد رد دادرسی در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی فوق و ماده ۲۱۳ همان قانون به رعایت بی طرفی در دادرسی ملزم شده اند. (اسفندیار، ۱۳۹۱: ۱۴)

بخش ششم: حقوق شاکی در دادرسی نظامی

علاوه بر اینکه در دادرسی نظامی لازم است حقوق متهم مورد حمایت قرار گیرد، حقوق شهروندی شاکی نیز باید ملحوظ نظر اعضای دادرسی قرار گیرد. در خصوص رعایت حقوق شاکی نیز اصولی باید رعایت شود که در ادامه به بیان آن می پردازیم:

بند اول: حق دادخواهی

به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همچنین در اصل ۱۵۴ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات را دادگستری تعیین نموده و تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون می باشد. همچنین بندهای ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکی از جهات قانونی برای شروع به تحقیقات شکایت شاکی بوده و در ماده ۷۱ همان قانون نیز قضات ذی ربط و ضابطین دادگستری را مکلف به قبول شکایت کتبی یا شفاهی در همه وقت نموده است. اما صرف شکایت شاکی بدون وجود دلائل



کافی موجبی برای دستگیری و بازداشت دیگری نمی‌شود بنابراین شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است و قاضی نمی‌تواند از انجام آن خوداری کند.

بند دوم: حق معرفی گواه و شهود

به موجب ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه رونوشت بگیرد.

بند سوم: حق درخواست ضرر و زیان همراه با شکایت

شاکی خصوصی حق دارد ضرر و زیان ناشی از جرم را مطالبه کند و مدارک و دلایل مربوط را تحویل مرجع تعقیب داده تا پیوست پرونده کیفری شود. به موجب ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب شاکی می‌تواند ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند (ضرر و زیان خود را با ارائه دلیل قبل از صدور حکم با تقدیم درخواست تأمین خواسته کند. دادگاه نیز هرگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک صادر نماید.

بند چهارم: حق تعیین تکلیف شاکی در صورت عدم معرفی متهم توسط شاکی

به موجب ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب دادرسان و قضات تحقیق و ضابطین نمی‌توانند به عذر اینکه متهم مخفی شده یا معین نیست یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف سازند. همچنین چنانچه شاکی از شکایت خود صرف نظر نموده ولی موضوع از جرائم غیرقابل گذشت باشد، دادگاه تحقیقات لازم را انجام می‌دهد.

بند پنجم: حق درخواست احضار شهود و مطلعین

مواد ۷۳ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، به احضار شهود و مطلعان اختصاص دارد، اما هیچ یک از موارد مذکور، درخواست احضار فرد یا افرادی را به عنوان شاهد و مطلع برای شاکی مطرح نکرده است. از این رو تکلیف دادگاه به پذیرش این درخواست شاکی استنباط نمی‌شود. براساس ماده ۱۹۱ قانون مذکور، به نظر می

رسد دادگاه برای انجام تحقیقات لازم از افراد تعرفه شده از طرف شاکی، تکلیف دارد. حتی اگر انجام این تقاضا را نوعی تکلیف از طرف دادگاه بدانیم، اما ضمانت اجرای مشخص در جهت حمایت از این حق شاکی دیده نمی‌شود. (اسفندیار، ۱۳۹۱: ۱۶)

بند ششم: حق استرداد شکایت

در بند ۲ ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب از موارد موقوفی تعقیب امر جزایی، گذشت شاکی و مدعی خصوصی است. البته این گذشت در جرائم قابل گذشت (مندرج در ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی) تأثیر دارد. در غیر اینصورت تحقیقات ادامه پیدا می‌کند. البته تأثیر گذشت شاکی پس از صدور حکم و قبل از آن متفاوت است. به موجب ماده ۸ قانون مذکور در مواردی که تعقیب امر جزایی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موقوف می‌شود، هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند، اجرای حکم متوقف می‌شود و چنانچه قسمتی از حکم اجرا شده باشد، بقیه آن موقوف و آثار آن حکم مرتفع می‌شود، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

بند هفتم: حق شرکت در معاینه محل و تحقیق محلی

به موجب ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق یا به دستور ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می‌شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، لکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود.

بخش هفتم: وظایف دادرس و دادگاه نظامی در امر رعایت حقوق شهروندی متهمان و مجرمان

به علت لزوم اجرای کیفرهای سنگین و نیاز مبرم به تسریع در رسیدگی و دفاع به موقع و موثر از حیات نظامی کشور و حفظ اسرار نظامی، دادگاه‌های نظامی جهت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی نظامیان ایجاد گردید. منظور از جرائم نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضاء نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی خود مرتکب





گردند، لذا رسیدگی به این دعاوی به علت خصوصیت ویژه آنها در دادگاه‌های عمومی امکان پذیر نمی باشد. از این رو نیاز به مراجع اختصاصی است که با تشریفات خاص دادرسی اداره شود این مراجع برحسب مورد به برخی از امورخاص و یا دعاوی مربوط به اشخاص خاص موردنظر رسیدگی می نماید که به آن دادگاه‌های نظامی می گویند. (شهری، ۱۳۸۶: قوانین ومقررات کیفری، ج ۲) حال پس از این توضیح جهت حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی آنان در دادرراها تدابیری اندیشیده شده تا به غیر از رسیدگی به امور مربوط به بزه حقی از آنان ضایع نگردد و سایر حقوق شهروندی آنان همچون حق انتخاب وکیل، ارتباط با شکات، ملاقات با بستگان درجه یک، استفاده از امکانات مناسب در بازداشتگاه‌ها و غیره... محفوظ بماند. (دوستی، ۱۳۹۱: مجموعه مقالات همایش عدالت کیفری سازمان قضایی) طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی، دادرسا و دادگاه‌های نظامی به عنوان بخشی از قوه قضائیه و تنها مرجع اختصاصی پیش بینی شده در قانون، تشکیل شد. تا سال ۱۳۶۰ قانون استنادی در این محاکم، قانون دادرسی و کیفر ارتش (مصوب ۱۳۱۸/۱۰/۴) بود تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۲ و اصلاحات سال ۱۳۶۸ و با عنایت به اصل مذکور، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تصویب و تا سال ۱۳۷۱ به عنوان قانون خاص در محاکم نظامی، قابلیت اجرایی داشت. با توجه به تغییرات صورت گرفته در تشکیلات نیروهای مسلح و لزوم اصلاحات و نیز روزآمد شدن قوانین، قانونگذار در سال ۱۳۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح را تصویب و برای اجتناب از تعارضات احتمالی دو قانون قبلی را ملغی اعلام کرد. قانون جدید مشتمل بر ۱۳۷ ماده و ۵۱ تبصره است که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید و به عنوان عنصر قانونی جرایم خاص نیروهای مسلح قابلیت اجرایی یافت. طبق ماده ۱ این قانون، محاکم نظامی؛ صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر را دارا می باشند:

الف - کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته؛

ب - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته؛

ج - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

د - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته؛

ه - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛

و - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن؛

ز - محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛

ح - کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می شوند.

همچنین طبق تبصره های ذیل این ماده، جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان های دیگر خدمت می کنند در دادگاه های نظامی رسیدگی می شود و رهائی از خدمت، مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی شود. در مورد قواعد رسیدگی نیز در مقایسه و برخورد با جرائم عمومی در دادگستری ها تقریباً یکسان است ولی به جهت تخصصی و فنی بودن، متمایز از آنها می باشد. سازمان قضایی نیروهای مسلح در تمامی مراکز استان های کشور و به فراخور پراکندگی جغرافیای یا اهمیت منطقه، بالاخص در استان های مرزی، در برخی شهرستان ها و تحت عنوان ناحیه مشغول خدمت رسانی به مردم و نیروهای مسلح است و یکی از شعارهای اصلی این نهاد که در بند چهارم منشور اخلاقی آن نیز آمده؛ اجرای عدالت است که این مهم را همواره موجب خشنودی خداوند و استحکام سازمان و خدمت به مردم می داند. در راستای عملیاتی کردن این باور، می توان به دستاوردهای اخیر سازمان در تدوین سند راهبردی و اهداف راهبردی، عینی و سنجه های پنجساله ۹۴-۹۰، بحث پیشگیری از وقوع جرم و مطالعات و پژوهش های تطبیقی در عمده جرایم خاص نظامی و انتظامی است و تعیین ظرفیت جنایی و تحلیل جمعیت کیفری نیروهای مسلح، اشاره کرد. همچنین این سازمان، طی



دو برنامه پنج ساله با همکاری نیروهای مسلح، تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه آسیب‌شناسی انجام داد. طی برنامه پنج ساله اول (۸۲-۱۳۷۷) شناسایی عوامل موثر بر جرایم در دستور کار پژوهشی قرار گرفت و در مجموع ۲۲ عنوان تحقیق در زمینه بررسی جرایم و راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم انجام پذیرفت. در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۸۲-۱۳۸۷) موضوع آسیب‌زدایی مطرح شد و طی سه سال اول این برنامه اقدامات مؤثری در این زمینه صورت گرفته است. یکی از استراتژی‌های مؤثر در زمینه آسیب‌زدایی، تحلیل جمعیت کیفری و تعیین ظرفیت جنایی برای ۱۶ عنوان مجرمانه از جرایم شایع و بااهمیت در نیروهای مسلح است که پروپوزال یا طرح تحقیقاتی آن در سال ۱۳۸۲ ارائه شد. بر مبنای این طرح سه دسته تحلیل در زمینه جرایم نظامی انجام گردید که تا حدودی، وضعیت آماری جرایم نظامی را در سراسر کشور مشخص می‌سازد. (www.imj.ir)، منوی پژوهش، تعیین ظرفیت جنایی و تحلیل جمعیت کیفری)

نتیجه‌گیری

نهایتاً در نتیجه‌گیری پایانی و نهایی این مقاله باید گفت در سازمان قضایی نیروهای مسلح اصول اساسی حقوق شهروندی مانند حق داشتن وکیل، حق رد دادرس، کارشناس و مترجم، علنی بودن رسیدگی، حق دسترسی به عدالت کیفری استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده، حق علنی بودن دادرسی و حقوق دفاعی متهم که شامل اصل برائت، ضرورت تفهیم اتهام، حق محاکمه حضوری، حق برخورداری از وکیل، حقوق ناشی از صدور حکم، حق تجدیدنظرخواهی منع محاکمه یا مجازات مجدد رعایت می‌شود. از طرف دیگر حقوق شاکیان در دادرسی نظامی همانند سایر اعضای محاکم نظامی رعایت می‌شود. به هر حال مقدار معتابیهی از ورودی پرونده‌ها به دادرسی نظامی در خصوص نیروهای وظیفه و معمولاً به اتهام فرار از خدمت است و اگرچه در جرم انگاشتن این موضوع جای بحث است و یا حداقل به این مقدار ایام غیبت، عنوان مجرمانه فرار اطلاق کردن، جای تامل است، اما اقدامات مثبت قانون‌گذار در این زمینه را هم نباید نادیده انگاشت. بیشتر متهمانی که یک بار تجربه بازداشت را

داشته اند بیشتر امکان فرار مجدد را دارند و این مساله هم موضوع بازدارندگی مجازات را زیر سوال می برد. اگر چه عدم همراهی محکوم علیه در مجازات ها و اجبار موجود در آن، در خیلی از موارد، آثار زندان را نیز به وضوح کاهش می باید و فرد را مثل فتری فشرده درمی آورد که با برداشتن فشار از روی آن، با شدتی بیش از پیش به حالت گذشته بازخواهد گشت و تا رسیدن تعادل، فراز و فروهایی را نیز باید از سر بگذارند. این امر، مخالف با اصول حقوق شهروندی و به خصوص تناسب جرم و مجازات است. قضات دادسرا وظیفه تعقیب مجرمین و اجرای مجازات را به عهده دارند. در سیستم هایی که دادسرا از آغاز تشکیلات آن حضوری پررنگ داشته از جمله در محاکم نظامی چرخ های عدالت کیفری معمولا تحت نفوذ دو اصل به حرکت درمی آید: ۱- اصل قانونی بودن تعقیب ۲- اصل مفید بودن تعقیب.

منظور از اصل اول، این است که دادستان اقدام به تعقیب و تمام تلاش خود را معطوف تعقیب و جمع آوری ادله کند و طبق اصل مفید بودن تعقیب که نوعی مصلحت سنجی است که دادستان می تواند از تعقیب برخی از جرائم کم اهمیت خودداری کند. لذا رعایت این دو اصل توأمان و در کنار هم به مثابه دو بال، یاریگر فرشته عدالت بوده و مسیر را برای جولان آن همواری کنند. اگرچه رعایت این دو اصل کاری تخصصی قضایی است اما به هر حال جزء اصول راهبردی و پر اهمیت در بدو اقدامات قضایی و شروع مسیر عدالت قضایی است. این اقدام ها که می توان آن ها را در سه دسته کلان، قضایی، اداری تقسیم بندی کرد به نوعی در راستای حقوق شهروندی در سازمان قضایی است. منظور از اقدام کلان مربوط به سیاست های کلی سازمان در راستای مدیریت و منابع انسانی سازمان، استفاده بهینه از نیروی انسانی مورد نیاز، کارهای عمرانی، تجهیز اداری، ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر، برگذاری دوره های آموزشی برای اعتلای دانش پرسنل و به روزنگاه داشتن آن ها در خدمت رسانی و در یک کلام، ایجاد بستری مناسب برای خدمتی متناسب است.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آشوری، محمد، مفاهیم عدالت و انصاف ازدیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، مجموعه مقالات زیر نظر محمد آشوری، تهران، چاپ اول، نشر گرایش، ۱۳۸۷
- ۳- آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- ۴- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بشر، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶
- ۵- استوار سنگری، کورش، حقوق تأمین اجتماعی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۶- اسفندیار، سمانه، حقوق شهروندی در دادسرای نظامی، مجموعه مقالات همایش عدالت کیفری، سازمان قضایی نیروهای مسلح تهران، ۱۳۹۱
- ۷- اشرفی، مجتبی، مجموعه قوانین اساسی مدنی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶
- ۸- امیدی، جلیل، دادرسی کیفری و حقوق بشر، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، سال دهم، ۱۳۸۲
- ۹- بسته نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰
- ۱۰- پرادل، ژان، به دنبال اصول راهبردهای مشترک آیین های دادرسی کیفری، مترجم: منوچهر خزانی، ۱۳۷۶
- ۱۱- پورهایمی، عباس، مرزشناسی حقوق بشر و حقوق شهروندی، مجله پگاه حوزه، شماره ۳۰۸، ۱۳۹۰
- ۱۲- پورهایمی، عباس، امنیت و حقوق شهروندی، مجله پگاه حوزه، شماره ۳۵، ۱۳۸۳
- ۱۳- پللو روبر، ترجمه ی ابوالفضل قاضی، شهروند و دولت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰
- ۱۴- پروین، فرهاد، حقوق شهروندی در سیره نبوی و حقوق ایران، شماره ۷۲، ۱۳۸۷



- ۱۵- ترش، استفان با همکاری ساراسامرز، دادرسی عادلانه در امور جنایی، مجله حقوقی دادگستری ترجمه: علی شایان، شماره ۵۶ و ۵۷، سال هفتم، ۱۳۸۵
- ۱۶- حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، شرح نراقی، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ سوم، ۱۳۸۵
- ۱۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیادراستا، ۱۳۶۳
- ۱۸- حمیدالله، شهروندی در اسلام، به نقل از حقوق شهروندی در سیره نبوی نوشته فرهاد پروین، ۱۳۷۱
- ۱۹- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، نشرشهر دانش، جلد اول، ۱۳۸۷
- ۲۰- خباز، مریم، چالش های رعایت حقوق شهروندی، روزنامه جام جم، شماره ۲۷۷۱، ۹۱/۱۱/۱۸
- ۲۱- خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲
- ۲۲- دانش پژوه، مصطفی، شهروندی در اسلام، به نقل از حقوق شهروندی در سیره نبوی نوشته فرهاد پروین، ۱۳۸۱
- ۲۳- جمعی از نویسندگان، درآمدی بر حقوق اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴
- ۲۴- ذاکریان، مهدی، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۳
- ۲۵- رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۷
- ۲۶- رضایی پور، آرزو، حقوق شهروندی، تهران، نشر آریان، چاپ اول، ۱۳۸۵



